

روش‌شناسی قرآنی سرّ الإسراء

در استنباط آموزه‌های عرفانی و اخلاقی مأثور*

□ مصطفی همدانی^۱

چکیده

قرآن کریم در جایگاه رهبر تفکر اسلامی، مهم‌ترین منبع در استخراج آموزه‌های اسلامی از جمله تعالیم عرفانی و اخلاقی است؛ اما متأسفانه در کاربست‌های نظریات عرفانی و اخلاقی کمتر حضور دارد و در بسیاری از تفاسیر معنوی موجود از قرآن کریم نیز تفسیرهایی غیر روشمند و در نتیجه نادرست ارائه شده است.

این نوشتار از نوع توصیفی - تحلیلی است که با تلفیقی از روش‌های تحلیل مستندشناختی، تحلیل محتوا و روش کتابخانه‌ای، روش‌ها و رهاوردهای کتاب «سرّ الإسراء» تألیف استاد عرفان و اخلاق معاصر، آیه‌الله سعادت‌پرور را به عنوان یک متن عرفانی و اخلاقی روشمند مطالعه کرده است. هدف این تحقیق، کشف روش‌های مؤلف در تفسیر آموزه‌های عرفانی و اخلاقی مأثور با محوریت قرآن کریم است.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۳۱.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم (ma13577ma@gmail.com).

یافته‌های پژوهش فرارو عبارت‌اند از: لزوم فحص گسترده از کل قرآن برای استخراج هر آموزه عرفانی و اخلاقی و بیان مبانی این فحص، کارکرد قرآن کریم در اعتبارسنجی سند روایات عرفانی و اخلاقی، راهبردسازی قرآن کریم در تفسیر روایات عرفانی و اخلاقی دارای اختلاف و نیز لزوم استفاده از قواعد ادبی و قوانین علم اصول استنباط در استنباط آموزه‌های عرفانی و اخلاقی.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، عرفان مأثور، اخلاق مأثور، روش استنباط، سعادت‌پرور، سرّ الإسراء.

مقدمه

معرفت خدای متعال، غرض خلقت انسان (ر.ک: ذاریات/۵۶؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۹/۱) و فقه اکبر است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۶). همان طور که اخلاق نیز هدف راهبردی بعثت (طبرسی، ۱۴۱۲: ۸؛ وزام بن ابی‌فراس حلی، ۱۴۱۰: ۸۹/۱؛ مالک بن انس، بی‌تا: ۲۵۶/۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۹: ۴۶۵/۲؛ ابن حنبل، ۱۴۳۰: ۵۱۲/۲؛ بیهقی، ۱۴۳۲: ۲۵۲/۱۵) و فقه اوسط یعنی برتر از فقه متعارف (دانش مشتمل بر احکام ظاهری از طهارت تا دیات) و در رتبه بعد از عرفان (معرفت‌الله) است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۶). از طرف دیگر، قرآن کریم در کنار سنت، عقل و اجماع یکی از منابع معتبر در استنباط آموزه‌های اسلامی (از جمله عرفانی و اخلاقی) است (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۰۹/۱؛ قمی، ۱۳۷۸: ۹)، بلکه بر اساس نگرشی در بین شیعه و برخی از اهل سنت، آموزه‌های روایی نیز ریشه در قرآن کریم دارند (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۰۵۹/۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۲۵۶/۲). بلکه اعتبار روایات نیز از طریق عرض بر قرآن کریم سنجیده می‌شود (برقی، ۱۳۷۱: ۲۲۶/۱؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۷۲/۷؛ طبرانی، بی‌تا: ۹۷/۲). همچنین از نظر سند نیز آیات قرآن کریم به دلیل تواتر در نقل صدور آن کتاب شریف، بی‌تردید صدور معتبر دارند (علامه حلی، ۱۴۲۵: ۳۳۲/۱؛ قمی، ۱۳۷۸: ۴۰۳؛ مظفر، بی‌تا: ۵۱/۲). بنابراین قرآن کریم دارای موقعیتی کاملاً ممتاز در بین منابع استنباطی و در نتیجه در بین منابع اخلاق مأثور (کتاب و سنت) است و رهبری تفکر دینی در استنباط هر نوع آموزه دینی از جمله تعالیم «عرفان و اخلاق مأثور» را بر عهده دارد.

متأسفانه در طول سال‌های متمادی، ژرف‌اندیشی در استنباط آموزه‌های اسلامی از قرآن کریم رو به ضعف نهاده و بیشترین اعتنا مصروف روایات شده است. برون‌داد این فرایند نامطلوب، علاوه بر افول کارکردهای قرآن کریم در استنباط آموزه‌های اسلامی،

کم‌روفتی در توسعه علمی قواعد و قوانین تفسیر قرآن کریم و نقش بی‌بدیل آن در تولید آموزه‌های دینی و نیز نقد و تفسیر و جهت دادن به روایات اسلامی است. این قصور و تقصیر به حوزه معارف الهی و اخلاق اسلامی هم نفوذ کرد تا اینکه در روزگار ما، تفسیر قرآن توسط مفسر بزرگوار علامه طباطبایی احیا شد و شاگردان ایشان هم در این راستا هر یک به تلاشی درخور دست زدند.

استاد عرفان و اخلاق در عصر حاضر، آیه‌الله شیخ علی پهلوانی تهرانی معروف به سعادت‌پرور (۱۳۰۵-۱۳۸۳ ش.) از شاگردان برجسته علامه طباطبایی است که توفیق یافت خود را تا اندازه زیادی به متن کتاب و سنت نزدیک‌تر کند و عرفان و اخلاق «ناب» را در تحلیل بی‌واسطه گزاره‌های قرآن و حدیث به دست آورد. ایشان در طول مدت سی سال شاگردی مرحوم علامه، بسیاری از معارف الهی قرآن و حدیث را در جلسات و پرسش و پاسخ‌های خصوصی از آن مرد بزرگ آموخت و این اندوخته‌ها را با تلاش فکری و قلبی خود درآمیخت و نتایج آن را در ده‌ها جلد کتاب در باب معارف گوناگون آیات، روایات، ادعیه و سیره معصومان علیهم‌السلام عرضه کرد. از جمله مهم‌ترین این آثار، کتاب *نورهدایت* در شش مجلد در شرح دعاهای *اقبال الاعمال*، و نیز *فروع شهادت* در بیان اسرار معنوی مقتل حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام با تأکید بر *کامل‌الزیارات*، و *سوره‌الاسراء* در شرح حدیث معراج بر اساس آیات و روایات است. رهبر معظم انقلاب در پیامی درباره ایشان چنین فرموده است:

آن مرحوم عمر طیب و طاهر خود را در راه ترویج معرف توحیدی و تربیت شاگردان سپری کردند (۱۳۸۳/۹/۷).

سوره‌الاسراء تألیف ماندگار آیه‌الله سعادت‌پرور در حوزه عرفان و اخلاق ماثور است که با فشردگی فراوان عرضه شده است. این تألیف گرانسنگ به شرح قرآنی - روایی «حدیث معراج» با رهیافتی فقیهانه^۱ در بازتولید تفقه عرفانی و اخلاقی بر اساس مبانی منطقی استنباط، همت گماشته و در این راستا آیات قرآن کریم را به عنوان منبع اولیه به دقت بررسی کرده است. *سوره‌الاسراء* علاوه بر آنکه محصول شاگردی نگارنده‌اش از

۱. فقه در اینجا به معنای فهم روشمند کتاب و سنت است.

محضر علامه است، در طول پانزده سال توسط مؤلف برای شاگردان خود شرح شده و در این مدت نیز با افزودنی‌های بسیار و اصلاحات متعدد تکمیل شده است (سعادت‌پور، ۱۳۸۵: ۳۹۲/۴). این کتاب در دو جلد به زبان عربی نوشته شده و با موافقت مؤلف توسط یکی از شاگردان مبرز ایشان (دکتر وزیری فرد) به زبان فارسی روان در چهار جلد ترجمه و بارها تجدید چاپ شده است.

نوشتار فرارو به تحلیل روش‌های مؤلف *سّر الاسراء* در مسیر احیای جایگاه قرآن کریم و تفسیر قرآن در حوزه عرفان و اخلاق اسلامی می‌پردازد. ضرورت نگارش این مقاله بر اساس چند محور شکل گرفته است: عطش جامعه بشری به ویژه ایران معاصر نسبت به یادگیری و عمل به معارف الهی و اخلاقی، لزوم پاسخ‌گویی روشمند و متین به این نیاز فطری با تولید عرفان و اخلاق اسلامی بر اساس متن آموزه‌های اسلامی، موقعیت بی‌بدیل قرآن کریم در بین منابع اسلامی در بیان معارف الهی و اخلاقی و بالاخره ارزش مهم *سّر الاسراء* از نظر روشمندی در استنباط و نیز جایگاه آن در محافل عرفانی، اخلاقی و تربیتی. پرسش اصلی این تحقیق چنین است: روش‌های استنباطی آیه‌الله سعادت‌پور در تفسیر آیات و روایات عرفانی و اخلاقی چیست؟

۱. مبانی روشی تحقیق

این مبانی در چند محور تبیین می‌شوند:

۱-۱. نوع تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است که «علاوه بر تصویر آنچه هست، به دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد؛ جزئیات مسئله تحقیق را با کلیاتی که در مباحث نظری تحقیق به عنوان چارچوب استدلال خود تدوین می‌کند، ربط می‌دهد و نتیجه‌گیری می‌کند» (حافظنیا، ۱۳۸۶: ۵۹-۶۱).

۲-۱. روش تحقیق

این تحقیق به روش تلفیقی (کتابخانه‌ای، تحلیل محتوا، تحلیل مستندشناختی) انجام گرفته است.

۱-۲-۱. روش کتابخانه‌ای

روش کتابخانه‌ای روشی است که از آغاز تا انتها بر مطالعه کتب و اسناد و نرم‌افزارهای حاوی متون علمی مبتنی است و با ابزارهایی مانند فیش و جدول و فرم و... به کمک استدلال عقلی به بررسی متون برای دست یافتن به پاسخ سؤال می‌پردازد (همان: ۱۶۴-۱۷۲).

۲-۲-۱. تحلیل محتوای کمی^۱

تحلیل محتوای کمی که در این تحقیق از آن استفاده می‌شود، آزمون نظام‌مند و تکرارپذیر نمادهای ارتباطی است که طی آن، ارزش‌های عددی بر اساس قوانین معتبر اندازه‌گیری، به متن نسبت داده می‌شود و سپس با استفاده از روش‌های آماری، روابط بین آن ارزش‌ها تحلیل می‌شود. این عمل به منظور توصیف محتوای ارتباطات، استخراج نتیجه درباره معنای آن یا پی بردن به بافت و زمینه ارتباط، هم در مرحله تولید و هم در مرحله مصرف صورت می‌گیرد (رایف و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۵). نمادهای ارتباطی می‌توانند یک گفتار شفاهی باشند یا متنی مکتوب یا... که در آن به شمارش اجزای پیام بر اساس تجزیه به مقولات (رده‌ها یا طبقات) پرداخته می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

۳-۲-۱. تحلیل مستندشناختی

مستندنویسی در روش عالمان پیشین عبارت است از بیان مبانی فقهی فتاوی یک عالم در متنی مهم و مورد اعتنای جوامع علمی، به گونه‌ای که همه توان خود را در راستای استخراج فرایندهایی که مؤلف برای رسیدن به آن فتاوا طی نموده، به کار می‌گرفتند. کتاب *مستمسک العروة الوثقی* تألیف آیه‌الله سیدمحسن حکیم و نیز کتاب *المستند* تألیف آیه‌الله موسوی خویی و کتاب *مستند تحریر الوسیله* تألیف سیدمصطفی خمینی با این رویکرد ارزیابی می‌شوند. نویسندگان با الهام از این منابع، این روش را «تحلیل مستندشناختی» یا «تحلیل مستمسک‌شناختی» می‌نامند.

1. Content quantitative analysis.

۳-۱. روش تجزیه و تحلیل

در این تحقیق، جز در تحلیل محتوا که ارائه اولیه نتایج به صورت کمی و درصدی است، تجزیه و تحلیل به صورت کیفی انجام گرفته که عبارت است از کمک گرفتن از عقل و منطق جهت غور در مدارک علمی و انجام تحلیل‌ها و تعمیم‌های لازم برای دست یافتن به پاسخ سؤال (حافظنیا، ۱۳۸۶: ۲۳۲-۲۳۳). در بین روش‌های کیفی، روش خاص در بخشی از این تحلیل کیفی، تجزیه و تحلیل تطبیقی^۱ یعنی «بررسی به منظور دریافت وجود شباهت یا اختلاف بین دو پدیده» (اعرابی، ۱۳۸۲: ۱۰-۱۱) است که از روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات محسوب می‌شود (همان: ۲۴) اما در سایر موارد، تحلیل کیفی بر اساس روش‌های استنباط و اجتهاد و تفسیر متون مآثور است.

۲. یافته‌های تحقیق

روش‌های استنباط آموزه‌های عرفانی و اخلاقی مآثور سراسر با تأکید بر منبع بودن قرآن کریم به این شرح است:

۱-۲. اهمیت اصل «فحص قرآنی» در تفسیر آیات عرفانی و اخلاقی

مباحث این بخش از یافته‌ها در پنج زیربخش به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱-۱-۲. جایگاه فحص در استنباط از قرآن

اصل فحص از لوازم ضروری در استنباط روشمند است. توضیح اینکه استنباط از هر گزاره مآثور (قرآنی یا روایی) تنها با اتمام سه جهت دارای حجیت است: اثبات صدور، جهت صدور، دلالت (موسوی خویی، ۱۳۵۲: ۱۱۰/۲). اثبات دلالت که همان استظهار معنا و مدلول روایات است، بدون فحص به دست نمی‌آید؛ زیرا از طرفی به مقتضای قوانین عرفی محاوره که: «بسا گفتاری که تفسیر آن در دیگر کلمات گوینده است»، عموماً و اطلاقات آموزه‌های قرآنی و روایی در معرض تخصیص و تقيید هستند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۲۲۶؛ موسوی خویی، ۱۴۱۷: ۱۴۰/۵؛ رجبی، ۱۳۹۳: ۷۸) و مفسران نیز با

1. Comparative analysis.

الهام از همین راهبرد معتقدند که قرآن کریم خود نخستین و مهم‌ترین منبع در تفسیر است؛ به این معنا که آیات قرآن مفسر یکدیگر هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶/۱؛ بابایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۶۳؛ رجبی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). مهم‌تر اینکه این نگرش خاص در مورد آیات قرآنی یعنی تفسیر آیات قرآن به کمک دیگر آیات، مورد تصریح روایات معصومان علیهم‌السلام است (ر.ک: نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۱۲۷^۱). بنابراین اعتبار هر گونه استفاده از قرآن کریم از جمله استنباط آموزه‌های عرفانی و اخلاقی، مشروط به فحص لازم در کل قرآن کریم جهت یافتن قرائن تفسیری چون مخصص‌ها و مقیدها و آیات شارحه و... است.

۲-۱-۲. میزان فحص در استنباط قرآنی

پس از تبیین نظری اهمیت و جایگاه فحص قرآنی، پرسش این است که میزان این جستجو تا چه اندازه است؟ این مسئله در کتاب‌های تفسیر و روش تفسیری چندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ اما اصولیان اندازه‌فحص را بحث کرده‌اند و تحقیق آنان درباره‌ی میزان فحص در مسئله مورد پژوهش در این مقاله نیز قابل اقتباس است. از نظر ایشان، میزان کافی در فحص عبارت است از اندازه‌ای از جستجو در قرآن و حدیث (در تحقیق حاضر، در حوزه قرآن کریم) که در اثر آن، علم اطمینانی به عدم مخصص یا مقید یا هر نوع قرینه حاصل شود (موسوی خویی، ۱۴۱۷: ۲۷۱/۵؛ همو، ۱۳۵۲: ۴۸۹/۱).

۳-۱-۲. روش ارزیابی میزان فحص سوره‌الاسراء در قرآن کریم

سؤال دیگر این است که از کجا می‌توان میزان فحص مؤلف سوره‌الاسراء را ارزیابی نمود؟ در پاسخ باید گفت: اولاً ایشان در ذیل هر بحث از مباحث اخلاقی سوره‌الاسراء به طرح آیات مرتبط با آن موضوع و شرح آن‌ها پرداخته است. ثانیاً اگر بخواهیم چشم‌انداز کلی کتاب را در این زمینه مطالعه کنیم، مناسب‌ترین روش، توصیف فراوانی میزان استشهاد سوره‌الاسراء به آیات قرآنی و مقایسه آن با میزان استشهاد قرآنی دیگر پژوهشگران برجسته عرفان و اخلاق اسلامی در آثارشان است. این فراوانی به کمک روش «تحلیل محتوای کمی» که در روش تحقیق معرفی شد، انجام می‌گیرد و متونی

۱. کتاب الله تبصرون به وتنطقون به وتسمعون به وينطق بعضه ببعض ويشهد بعضه على بعض.

که میزان فحوص *سّر الاسراء* در مقایسه با آن‌ها تحلیل می‌شود، یک کتاب پیشین و یک اثر معاصر است. کتاب پیشین، *جامع السعادات* تألیف علامه محمد مهدی نراقی، فقیه اخلاقی و فیلسوف عارف عصر قاجار است که برگرفته از دریای قرآن و عترت است؛ کتابی بس ارجمند که از نظر بزرگانی چون علامه طباطبائی، بهترین کتاب در اخلاق اسلامی در متوسطات است (حسینی طهرانی، ۱۴۱۷: ۸۶). اثر معاصر، *اخلاق در قرآن*، محصول جلسات درسی استاد اخلاق و مفسر قرآن، آیه‌الله مصباح یزدی است. این کتاب، اخلاق اسلامی را با تفسیر درون‌قرآنی از آیات قرآن و بدون استفاده از منابع دیگر عرضه کرده و سه جلد تفسیر گرانها را که می‌تواند «آیات الاخلاق» نام گیرد ارائه نموده است.^۱

مقایسه این آثار با کمک تحلیل درصدی و جدول و نمودار فراوانی انجام گرفته است که ساده‌ترین روش در آمار توصیفی است (دو اس، ۱۳۸۹: ۱۳۷؛ دلاور، ۱۳۸۶: ۲۹۲). شرح و تجزیه و تحلیل نتایج کمی نیز به کمک روش تحلیل تطبیقی که در روش تحقیق معرفی شد انجام گرفته است تا وجوه افتراق و شباهت این سه متن در بسامد استفاده از آیات قرآن کریم در استنباط‌های ایشان روشن شود.

در این مقایسه و تحلیل، تعداد آیات قرآنی ۶۲۰۰ آیه محسوب شده‌اند؛ زیرا آنان که آیات قرآن کریم را شمارش کرده‌اند اتفاق نظر دارند که قرآن کریم شش هزار و دو بیست و اندی آیه دارد و تنها قسمت مبهم این عدد (اندی)، مورد اختلاف است (طلوسی، بی‌تا: ۴۳۸/۱۰؛ زرقانی، بی‌تا: ۳۳۶/۱). به همین جهت، همین مقدار یقینی ۶۲۰۰ آیه، مبنای مقایسه در این تحقیق قرار گرفته است.

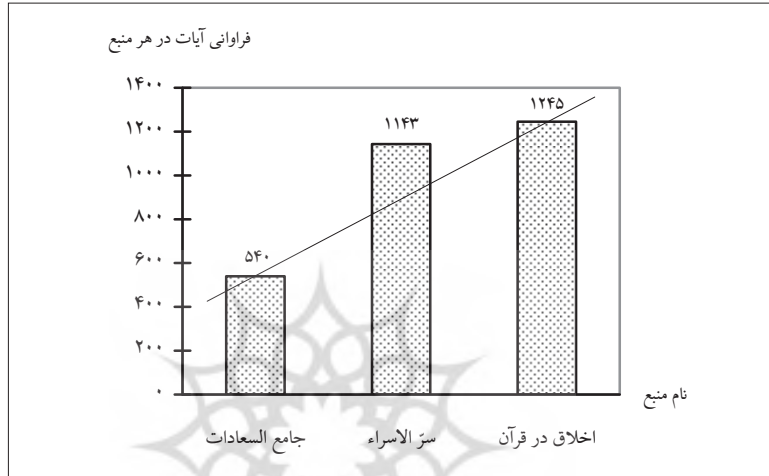
۲-۱-۴. میزان فحوص *سّر الاسراء* در قرآن کریم

نتایج تحلیل محتوای سه کتاب یادشده در جدول و نمودار زیر ارائه شده است:

۱. این سه کتاب دارای حجمی تقریباً یکسان و دارای صبغه مأنور هستند و هر سه توسط اخلاق‌پژوهانی از اساطین حوزه‌های علم و معنویت نگاشته شده‌اند. همچنین دو کتاب *سّر الاسراء* و *اخلاق در قرآن* با تقدم زمانی کتاب *سّر الاسراء* مربوط به زمان معاصرند؛ زیرا *اخلاق در قرآن* در سال ۱۳۸۴ منتشر شده است گرچه تدریس آن مربوط به سال‌های دهه شصت است، اما *سّر الاسراء* در سال ۱۳۷۴ منتشر شده است که البته این تألیف هم در همان دهه تدریس شده است.

درصد از کل قرآن	فراوانی	نام منبع
۲۰/۰۸	۱۲۴۵	اخلاق در قرآن
۱۸/۴۳	۱۱۴۳	سرّ الاسراء
۸/۷	۵۴۰	جامع السعادات

جدول فراوانی آیات قرآن کریم در هر یک از منابع سه‌گانه



نمودار فراوانی آیات قرآن کریم در هر یک از منابع سه‌گانه

همان‌طور که جدول و نمودار نشان می‌دهند، استفاده از آیات قرآن کریم در استنباط‌های اخلاقی در دو کتاب معاصر اخلاق در قرآن و سرّ الاسراء با یک شیب تند تصاعدی، رشد بسیار زیادی نسبت به کتاب جامع السعادات داشته است. بر این اساس، بهره‌گیری از آیات در اخلاق در قرآن و سرّ الاسراء تقریباً یکسان و حدود دو برابر بیش از جامع السعادات است. بنابراین می‌توان چشم‌انداز فحوص در سرّ الاسراء را خوب و مطلوب ارزیابی نمود و امید داشت که ایشان آیات قرآنی را به خوبی بررسی کرده است.

۵-۱-۲. پایایی تحلیل محتوا

پایایی^۱ یا همان قابلیت اعتماد این تحلیل کمی، از طریق آزمون - آزمون مجدد^۲ که

1. Reliability.
2. Test-retest method.

یکی از روش‌های بررسی پایایی است (دواس، ۱۳۸۹: ۶۲) انجام می‌گیرد و ضریب پایایی به کمک فرمول پای اسکات (pi) (رایف و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۵۰-۱۵۱) و پس از بررسی مجدد ده درصد از مورد تحقیق توسط کدگذار دوم محاسبه شده است. نمونه مورد نیاز برای انجام کدگذاری دوم، از طریق نمونه‌گیری تصادفی^۱ انتخاب شده است.^۲ برای انتخاب افراد نمونه احتمالی ساده از جامعه نیز از روش منظم یا سیستماتیک^۳ استفاده می‌شود.^۴

بر اساس محاسبه مذکور، ضریب پایایی در تحلیل محتوای دو کتاب *سراسر* و *اخلاق در قرآن* عبارت است از ۰/۹ و ضریب پایایی در تحلیل محتوای کتاب *جامع السعادات* عبارت است از ۱، و از آنجا که شاخص در ارزش ضریب پایایی آن است که از ۰/۷+ کمتر نباشد، در غیر این صورت برای تفسیر دستاوردهای خود و تکرار تحقیق با مشکل روبه‌رو خواهند بود (همان: ۱۵۱) و از آنجا که نتیجه محاسبه فوق در تحلیل محتوای هر سه منبع، بالاتر از این میزان است، این تحقیق در هر سه زمینه پایاست.

۲-۲. نقش راهبردهای قرآنی در بررسی سندی روایات عرفانی و اخلاقی

مباحث این بخش از یافته‌ها در دو زیربخش به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱-۲-۲. جایگاه عرض بر قرآن در اعتبارسنجی سند روایات

اصولیان پیشین، اعتبار خبر واحد را منوط به وجود قرائن قطعی بر صحت آن می‌دانستند (شیخ بهایی، ۱۴۱۴: ۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۲۱۶/۷). آنان در زمینه قرائن صحت (حجیت سند یا متن) شاخص‌هایی ارائه کرده‌اند که چهار شاخص اول بر محور موافقت خبر با دلیل

1. Random sampling.

۲. علت انتخاب این روش آن است که یکی از مطمئن‌ترین روش‌های نمونه‌گیری است (بیبی، ۱۳۸۵: ۳۹۸) که در آن، همه اعضای تعریف‌شده جهت انتخاب شدن شانس برابر دارند (دلور، ۱۳۸۶: ۱۱۶) و نتایج این نمونه‌ها قابلیت تعمیم به کل جامعه مورد نظر را دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

3. Systematic sampling.

۴. این روش باعث می‌شود که افراد نمونه، به طور یکنواخت در سراسر جامعه پراکنده باشند (همان: ۱۲۳-۱۲۶).

قطعی است که عبارت‌اند از: موافقت با دلیل عقل، مطابقت با نص دلیل خاص یا عموم یا فحوای کتاب، موافقت با سنت قطعیه، موافقت با اجماع (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۴۳/۱-۱۴۴). در این میان، عرض بر قرآن کریم به عنوان نوعی تحلیل بینامتنی، مبتنی بر یکی از مبانی اصیل در تعیین صحت صدور روایات و حجیت آنهاست که ریشه در توصیه‌های روایی شیعه (همو، ۱۴۰۷: ۲۷۲/۷) و اهل سنت (طبرانی، بی‌تا: ۹۷/۲؛ دارقطنی، ۱۴۲۴: ۳۷۲/۵) دارد.

این الگو، مورد تأکید اصولیان شیعه نیز می‌باشد و بر همین اساس، شیخ طوسی می‌فرماید که اگر خبر واحد، موافق نص دلیل خاص یا عموم یا فحوای کتاب باشد، معتبر است (۱۴۱۷: ۱۴۴/۱) و محقق حلی صریحاً به وجوب عرضه هر خبر بر کتاب خدا معتقد است تا میزان انطباق آن با کتاب الهی روشن شود (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۱۵۲)، بلکه علامه طباطبایی بر این باور است که حجیت شرعی خبر واحد مخصوص فقه است و روایات واحد که مشتمل بر احکام فقهی نباشند، حجیت عقلایی هم ندارند، مگر قرائن قطعی بر صحت متن آنها باشد که از این قرائن، موافقت متن آنها با ظواهر آیات قرآنی است و بررسی سندی در این روایات، تنها در صورت تجمیع قرائن لازم برای یقین به صدور اعتبار دارد (۱۴۱۷: ۲۱۱/۹-۲۱۲). به اعتقاد ایشان، اگر روایتی با قرآن موافق باشد نیازی به بحث سندشناختی ندارد (همان: ۲۹۹/۲). برخی اصولیان اهل سنت نیز بر عرض روایت بر قرآن تأکید دارند (سرخسی، بی‌تا: ۳۶۵/۱؛ شاشی، بی‌تا: ۲۸۰/۱؛ شاطبی، ۱۴۱۷: ۳۳۲/۴).

۲-۲-۲. روش سوره‌الاسراء در اعتبارسنجی سند روایات با عرض بر قرآن

مؤلف سوره‌الاسراء نیز در این راستا، متن حدیث معراج را با قرآن کریم تطبیق داده و آن را مورد تأیید آیات قرآنی دانسته است (سعادت‌پرور، ۱۳۸۵: ۱۷/۱-۲۰). همچنین در جای جای کتاب نیز از آیات قرآنی در تأیید روایات و بررسی آنها استفاده کرده است (برای نمونه ر.ک: همان: ۱۱۶/۱، ۱۴۸، ۱۶۲، ۲۴۴ و ۴۱۰: ۸۲/۲، ۱۰۴-۱۰۸ و ۱۸۲).

۱. روی عن النبی ﷺ وعن الأئمة بإسنادهم قالوا: «إذا جاءكم منّا حدیث فاعرضوه علی کتاب الله، فما وافق کتاب الله فخذوه وما خالفه فاطرحوه أو ردّوه علینا».

۲. عن علی بن ابی طالب قال: قال رسول الله ﷺ: «إنّها تكون بعدی رواة یروون عنی الحدیث، فاعرضوا حدیثهم علی القرآن، فما وافق القرآن فخذوا به، وما لم یوافق القرآن فلا تأخذوا به».

۲-۳. کاربرد قواعد ادبی در تفسیر آیات عرفانی و اخلاقی

۲-۳-۱. جایگاه علوم ادبی در استنباط از قرآن

استفاده از قواعد علوم ادبی از ضروریات کشف معانی قرآن و حدیث است (طوسی، ۱۴۱۷: ۷۲۸/۲؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۴۶۸). این علوم عبارت‌اند از: آگاهی از معانی حقیقی لغات و تشخیص آن‌ها از معنای مجازی، مفهوم صرفی صیغه‌ها و نحو و معانی (طوسی، ۱۴۱۷: ۷۲۸/۲؛ همچنین ر.ک: بابایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۱، ۱۰۵ و ۲۳۵؛ رجیبی، ۱۳۹۳: ۲۴۰).

۲-۳-۲. کاربرد قواعد ادبی در استنباط قرآنی از منظر سِرِّ الاسراء

سِرِّ الاسراء با استفاده از قواعد ادبی توانسته است به معانی دقیق عرفانی در آیات قرآن دست یابد که در اینجا به یک نمونه از این استنباط‌ها اشاره می‌شود. یکی از معانی بسیار متعالی، مسئله «فنا فی الله» است. مؤلف سِرِّ الاسراء معتقد است که یکی از ادله تفسیر «فنا فی الله» در عرف عرفان، دلالت تفسیری «هالیک» و «فان» در آیه «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» و نیز آیات «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» است.

قبل از ارائه نظر ایشان و استخراج مبنای آن، نظر مفسران را درباره این دو مفهوم موجود در آیات مذکور بررسی می‌کنیم. در تفسیر «هالک» سه نظر وجود دارد: خداوند هر چیز غیر خود را معدوم خواهد کرد؛ خداوند هر چیز غیر خود را با مرگ یا کهنگی و تفرق اجزا از انتفاع خارج خواهد ساخت؛ یا اینکه اشیا به این علت که حادث‌اند در ذات خود قابل نابودی هستند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۵/۲۰-۲۱). مفسران قرآن معمولاً «هالک» را به معنای فنا فی اشیا در سرانجام مادی جهان و آغاز معاد انگاشته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/۴۲۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۵/۱۸۰؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۶/۲۳۵). در مورد «فان» نیز به همین منوال اظهار نظر کرده‌اند جز اینکه علامه طباطبایی معتقد است که «فان» به قرینه سیاق، ظهور در استقبال دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۰۱). مؤلف سِرِّ الاسراء آرای مذکور را به صراحت نادرست انگاشته و راه دیگری در پیش گرفته است. ایشان بر اساس قواعد ادبی و نیز دلالت دیگر آیات، معنایی جدید به

نام «فناى فعلی اشیاء» را از دو آیه مذکور استنباط کرده است و معتقد است که این دو آیه به علت وجود تعبیر «هالك» به جای «كُلّ شیء یهلك» و «فان» به جای «كُلّ شیء یفنى» دلالت دارند که موجودات همواره در فناى فی الله هستند (سعادت‌پور، ۱۳۸۵: ۱۰۶/۱)؛ زیرا «یهلك» و «یفنى» می‌توانند اشاره به موت اضطراری بشر و یا فناى آخر کار موجودات داشته باشد، اما «هالك» و «فان» چنین نیستند و بر فناى فعلی اشیا دلالت دارند (همو، ۱۳۸۶: ۲۳۵/۳) و مؤمن با چشم دل و حقیقت ایمان و عالم امر و ملکوت، فناى موجودات را مشاهده می‌کند. بنابراین مقصود از فناى فی الله، احاطهٔ خدای متعال به همهٔ اشیا و یا مشاهدهٔ این فنا و خبر دادن از آن مشاهده است، نه نابود شدن جهان مادی یا خدا شدن موجودات (همو، ۱۳۸۵: ۲۴۴/۱: ۱۰۸-۱۰۴/۲).

ایشان مستند ادبی خود را تفصیل نداده است و به نظر می‌رسد که این استفادهٔ مؤلف، مبتنی بر دلالت اسم فاعل در آیات مذکور بر ثبوت است؛ زیرا اهل بلاغت عموماً معتقدند که اسم فاعل دلالت بر ثبوت و استمرار دارد (جرجانی، ۱۴۲۸: ۵۰/۱؛ سکاکی، ۱۴۰۷: ۲۰۷/۱؛ نقتازانی، ۱۴۲۵: ۳۰۲-۳۰۰) و قرآن‌پژوهانی چون سیوطی که به فنون متعدد ادبی آگاه است، نیز با اهل بلاغت همراه هستند (سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸۶/۱). البته علمای نحو عموماً معتقدند که اسم فاعل دارای معنای حدوث است نه ثبوت (ابن هشام انصاری، بی‌تا: ۱۸۱/۳؛ جامی، ۱۴۳۰: ۳۷۰/۲؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۱/۲)، جز افراد نادری چون ابوحیان اندلسی که اسم فاعل را دال بر ثبوت می‌دانند (۱۴۲۰: ۲۲۶/۱). اما مؤلف به همین استفادهٔ ادبی که محل اختلاف بین اهل نحو و بلاغت است، اکتفا نکرده است. ایشان به خوبی واقف بوده که بررسی قرائن تفسیری از الزامات یک تفسیر موفق است (رجبی، ۱۳۹۳: ۷۸). بنابراین پس از فحص مناسب و جامع در آیات و روایات شارح آیات که در بخش‌های قبل در این مقاله ارزیابی شد، آیات مذکور را بر اساس یک تفسیر درون‌متنی (بر اساس دیگر آیات) و تحلیل بینامتنی (بر اساس روایات) تفسیر کرده است. فرایند فحص و تأیید مضمونی قاعدهٔ ادبی مذکور و تفسیر آیه به آیه در روش ایشان در این مورد خاص به این شرح است: از منظر استاد سعادت‌پور، توحید اسلامی عبارت است از معیت قیومی خدای متعال با خلق، به این معنا که حقیقت خلق، خداست و مخلوقات جز سایه‌های کمال الهی که همهٔ وجود آنان را پر کرده است و

هر لحظه به آنان زندگی می‌دهد، نیستند و بر این اساس، مخلوقات همواره فانی فی الله هستند. برخی از مهم‌ترین مستندات ایشان در این نگرش عبارت است از: ﴿يَبِينُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ (یس / ۸۳)؛ ﴿الْأَيْنَهُمْ فِي مَرِيضَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ﴾ (فصلت / ۵۴)؛ ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (حدید / ۳)؛ ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ﴾ (بقره / ۱۱۵)؛ دعای «أنت الذی لا إله غیرک، تعرّفَ لکلّ شیء، فما جهلک شیء، وأنت الذی تعرّفَ إلی فی کلّ شیء، فرأیتک ظاهرًا فی کلّ شیء وأنت الظاهر لکلّ شیء» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۳۵۰/۱: ۱۴۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۷/۹۵) و دعای «بعظمتک التی ملأت کلّ شیء وبسلطانک الذی علا کلّ شیء وبوجهک الباقی بعد فناء کلّ شیء وبأسمائک التی غلبت أركان کلّ شیء» (طوسی، ۱۴۱۱: ۸۴۴/۲: ۱۴۰۹؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۷۰۷/۲). این آیات و روایات، دلالت دارند که اشیا دارای امری هستند که غیر از شیئیّت آنان است و به آنان احاطه دارد و آن امر، همان وجه الله به معنای کمالات ذات مقدس الهی است. بنابراین آنچه حقیقت است همان ذات خداست و مخلوقات همواره به او پابرجایند (سعادت‌پور، ۱۳۸۵: ۱۰۴/۱-۱۰۶).

مؤلف با این رویکرد، یعنی تفسیر مفاهیم «هالك» و «فان»، بر اساس دلالت دیگر آیات و روایات، قاعده ادبی مذکور در دلالت اسم فاعل بر ثبوت را که در ذات خود ظنی است قابل احتجاج کرده و علاوه بر این تثبیت، از دو آسیب جریان‌های تفسیری مصون مانده است که عبارت‌اند از: ۱. ارتکاب خلاف قاعده ادبی و تأویل قواعد ادبی که آفت بسیاری از تفسیرهای ادبی است و در طی این رفتار تفسیری، بسیاری از قواعد ادبی به خاطر معانی ذهنی مفسر (مانند عدم درک فانی بودن همه ما سوی الله در آیات مذکور در زمان حال) تأویل می‌شوند و از مقتضای قاعده دست کشیده می‌شود (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷۴/۲). ۲. فرو غلتیدن در دام تأویل‌های عرفانی غیر مستند به حاق آیه که آفت جریان‌های تفسیر عرفانی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/۱: اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۳۴-۳۳۵/۱).

گفتنی است که مؤلف سرّ الاسراء در این نظر تفسیری درباره «هالك» و «فان» تنها نیست و یکی از احتمالات علامه طباطبایی در تفسیر «هالك» نیز همین است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۱/۱۶). بانوی اصفهانی نیز در تفسیر «فان» نوشته است:

«فان» در اینجا و «هالك» در آنجا به این معنا نیست که بعداً اشیا فانی و هالک می‌گردند، بلکه به این معناست که اشیا در حدّ ذات خود فانی و ناچیز و باقی وجه‌الله است که در هیچ حالی فناپذیر نیست (۱۳۶۱: ۲۱/۱۲).

۴-۲. کارکرد قواعد اصولی در تفسیر آیات عرفانی و اخلاقی

قواعد علم اصول در تفسیر آیات قرآن از علوم مورد نیاز مفسران است (بابایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۶۲). در روش استنباطی سوره‌الاسراء نیز توجه به قواعد اصولی کاملاً مشهود است. دو نمونه از موارد کاربرد قواعد اصول استنباط در استنباط از آیات قرآنی از منظر سوره‌الاسراء به این شرح است:

۱-۴-۲. مورد اول: قاعدهٔ عموم حاصل از نکره در سیاق نفی

مؤلف در شرح آیه «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (نحل / ۹۹) چنین استفاده کرده که شیطان هیچ گونه تسلطی بر متوکلان ندارد (سعادت‌پور، ۱۳۸۵: ۶۴/۱) و گرچه مستند ادعای خود را ذکر نکرده است، به نظر می‌رسد که ایشان به عموم حاصل از نکره در سیاق نفی (عاملی جبعی، ۱۴۱۶: ۱۶۰؛ قمی، ۱۳۷۸: ۲۳۳) تمسک نموده است.

۲-۴-۲. مورد دوم: قاعدهٔ اشتراک خطاب‌های قرآنی

مؤلف در شرح آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» نگاشته است: روشن است که این خطاب مخصوص آن حضرت نیست بلکه تابعان ایشان را هم شامل است (سعادت‌پور، ۱۳۸۵: ۱۲/۱).

مبنای این استفاده، نظریهٔ اصولیان در عدم اختصاص خطاب‌های مفردة قرآنی به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و این عدم اختصاص، به معنای یک اصل است تا زمانی که خلاف آن بر اساس ادلهٔ محکم ثابت شود که تکلیفی مخصوص آن حضرت است (ر.ک: انصاری، ۱۴۰۴: ۸۴؛ نراقی، ۱۳۸۸: ۳۰۷/۱) و دستور اقبال بر فطرت نه فقط مخصوص آن حضرت نیست، بلکه ذیل آیات مذکور، دلالت بر عمومی بودن این فطرت برای همهٔ بشر دارد.

۵-۲. نقش راهبردهای قرآنی در حل اختلاف روایات عرفانی و اخلاقی

۱-۵-۲. جایگاه قرآن کریم در حل اختلاف روایات

اختلاف بین روایات به این معناست که دو حدیث با هم درگیر باشند؛ چه این درگیری در ظاهر معنا باشد یعنی جمع بین آن‌ها با تقييد مطلق یا تخصیص عام یا تأویل ممکن باشد یا این درگیری دو روایت، واقعی باشد و جمع بین آن‌ها با روش‌های علمی ممکن نباشد (میرداماد، ۱۳۸۰: ۲۴۴؛ عاملی جبعی، ۱۴۰۸: ۱۲۴). از روش‌های حل اختلاف روایات، عرضه آن‌ها بر قرآن کریم است؛ زیرا قرآن، روشنگر و شارح همه چیز (ر.ک: نحل/ ۸۹؛ یوسف/ ۱۱؛ انعام/ ۳۸؛ آل عمران/ ۱۳۸) و بیانگر هر چیزی است که امت نیاز دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۹/۱)؛ از جمله گره‌گشایی از امور مورد اختلاف (ر.ک: بقره/ ۲۱۳؛ نحل/ ۶۴) که امور دینی هم مصداق موارد اختلاف محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲۲/۲). بلکه طبق روایات، در هر امر مورد اختلاف، محوری در قرآن وجود دارد که رافع آن اختلاف است، اما عقول انسان‌ها^۱ به آن نمی‌رسد (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۰/۱). از طرف دیگر، عرض روایات بر قرآن کریم از توصیه‌های رسول خدا ﷺ و ائمه هدی علیهم‌السلام است که فریقین آن را روایت کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۷۲/۷؛ دارقطنی، ۱۴۲۴: ۳۷۲/۵). بنابراین قرآن کریم از منابع استخراج قواعد راهبردی در عرفان و اخلاق است که این قواعد، حاکم بر روایات و مبین روح احادیث و جهت‌دهنده به آن‌ها محسوب می‌شود.

۲-۵-۲. کارکرد قرآن کریم در حل اختلاف روایات عرفانی و اخلاقی

دو نمونه از اختلاف‌های روایات عرفانی و اخلاقی که مؤلف بر اساس این راهبرد موفق به رفع اختلاف بین آن‌ها شده، به این شرح است:

۱-۲-۵-۲. مورد اول: امکان رسیدن به مرتبه بیداردلی در خواب

در زمینه امکان ترقی انسان به مرتبه‌ای که در خواب نیز بیداردل باشد، دو دسته روایت متضاد وجود دارد: در روایت اول یعنی حدیث معراج در وصف اهل کمال فرموده

۱. این معنا طبق تفسیر «انسان‌ها» در روایت به اکثر افراد است؛ یعنی افراد عالم و آگاه به کتاب و سنت را شامل نیست (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۳۴۹/۲).

است: «تنام أعینهم ولا تنام قلوبهم» (دبلمی، ۱۴۱۲: ۲۰۱/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۵۱/۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴/۷۴). در دو روایت دیگر، این منزلت یعنی بیداری دل در خواب را از علائم نبی و امام معرفی فرموده است:

- عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام قال: للإمام عشر علامات... تنام عيناه ولا ينام قلبه (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۸۸/۱).

- ثم أوصيك يا ابن مريم البكر البتول بسيد المرسلين وحبیبی فهو أحمد... تنام عيناه ولا ينام قلبه (همان: ۱۳۹/۸-۱۴۰).

به ویژه با توجه به حرف «لام» در روایت اول که دلالت بر تخصیص دارد (رضی‌الدین استرآبادی، ۱۳۸۴: ۲۸۳/۴؛ جامی، ۱۴۳۰: ۳۷۰/۲).

مؤلف سوره الإسراء از آیات قرآنی استفاده نموده و این اختلاف را حل کرده است. ایشان معتقد است که امکان حصول این کمال برای غیر انبیا و ائمه عليهم السلام مؤید به آیات قرآنی دال بر احیای انسان به حیات طیبه است (ر.ک: انعام/ ۱۲۲؛ انفال/ ۲۴؛ نحل/ ۹۷). بنابراین دسته دوم روایات را غیر ظاهر در اختصاص می‌داند (سعادت‌پور، ۱۳۸۵: ۱۸۶/۲).^۱

۲-۵-۲. مورد دوم: معارضه ریاضت‌ستایی با بهره‌وری از دنیا

برخی روایات، مؤمن را به ریاضت‌هایی دستور داده‌اند که بوی سرکوب‌گریز مادی از آن‌ها استشمام می‌شود؛ مانند فرازی از حدیث معراج که در اوصاف اهل کمال فرموده است: «محاسبین لأنفسهم متعین لها» (دبلمی، ۱۴۱۲: ۲۰۱/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۴۴/۲۶) یا دسته‌ای از روایات که دنیا و لذات آن را به طور مطلق نکوهش کرده‌اند؛ مانند:

۱. ممکن است پرسیده شود که حیات طیبه چه تلازمی با نخواستن قلب دارد؟ پاسخ این است که انسان در سرشت خود دارای چشم و گوش و ابزارهای ادراکی دیگری غیر از این ابزارهای محسوس است: «لَمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا» (اعراف/ ۱۷۹) و قرآن کریم به انسان وعده داده است که با تبعیت از دین در همین دنیا به یک نوع زندگی نو و فراتر از این زندگی مادی می‌رسد: «أَوْ مَنْ كَانَ مِثْلًا حَيَاتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلَهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» (انعام/ ۱۲۲) و روشن است که آن زندگی جدید، عبارت است از زیستن با چشم و گوش و ابزارهای ادراکی نوین، وگرنه حیات دربارۀ آن معنا نداشت. از طرف دیگر، آن ابزارها قطعاً مادی نیستند و خواب و خستگی از لوازم بدن مادی است، پس آن حیات جدید خواب و خستگی هم ندارد (برای توضیح بیشتر ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۸/۷-۳۳۹).

عن أبي حمزة عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال علي بن الحسين عليه السلام: «إن الدنيا قد ارتحلت مدبرةً وإن الآخرة قد ارتحلت مقبلةً ولكل واحدة منهما بنون فكونوا من أبناء الآخرة ولا تكونوا من أبناء الدنيا. ألا وكونوا من الزاهدين في الدنيا الراغبين في الآخرة. ألا إن الزاهدين في الدنيا اتخذوا الأرض بساطاً والتراب فراشاً والماء طيباً وقرضوا من الدنيا تقيضاً» (كليني، ۱۴۰۷: ۱۳۲/۲-۱۳۳).

و انسان را به دوری از چرب و شیرین و زینت دنیا دعوت کرده‌اند؛ مانند: یا ربّ کیف أدموم علی ذکرك فقال: «بالخلوة عن الناس وبغضك الحلو والحامض (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱۹۹/۱-۲۰۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۴۲/۲۶).

و یا او را به پوشیدن لباس نرم و زیبا سفارش کرده‌اند؛ مانند: - یا أحمد! لا تتزین بلبین الثیاب (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۴۳/۲۶). - إن الجسد إذا لبس الثوب اللین طغى (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۱۱).

از طرف دیگر، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: أما إنی أصلى وأنا م، وأصوم وأفطر، وأضحك وأبکی، فمن رغب عن منهاجی وسنتی، فلیس منی (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۵/۲).

بلکه برخی روایات به پوشیدن لباس نرم و زیبا دستور داده‌اند: عن یوسف بن إبراهیم قال: دخلت علی أبی عبد الله عليه السلام وعلی جبة خزّ وطیلسان خزّ، فنظر إلیّ، فقلت: جعلت فداک! علیّ جبة خزّ وطیلسان خزّ، فما تقول فیہ؟ فقال: «وما بأس بالخزّ... فالبس وتجمّل فإن الله جمیل یحبّ الجمال ولیکن من حلال» (همان: ۴۴۲/۶).

و یا مال‌داری را ستوده‌اند؛ مانند: عن عبد الأعلى عن أبی عبد الله عليه السلام قال: «سلوا الله الغنی فی الدنيا والعافیة، وفی الآخرة المغفرة والجنة» (همان: ۷۱/۶).

مؤلف *سرّ الاسراء* در بررسی اختلاف این دو دسته روایات، چند اصل عقلی، روایی، قرآنی را در نظر می‌گیرد. راهبردهای قرآنی که ایشان با استفاده از مجموع آن‌ها، موفق به حل اختلاف روایات یادشده گردیده است، عبارت‌اند از:

الف) راهبرد اول: اهمیت مواهب الهی به عنوان عطای خدای متعال به بشر که از آن‌ها بهره ببرد؛ زیرا قرآن کریم فرموده است که خداوند متعال همه آنچه در زمین است و از جمله لباس و غذا و... را برای رفع نیاز بشر در اختیار او قرار داده است (سعادت‌پرور، ۱۳۸۵: ۱۱۶/۱، ۱۶۲ و ۴۱۰: ۸۲/۲ و ۱۸۲):

﴿وَسَخَّرَلَكُمْ مَافِي السَّمَوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ﴾ (جاثیه/۱۳).

﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا لِيُرِي سَوَآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ﴾ (اعراف/۲۶).

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ (اعراف/۳۲).

﴿وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ﴾ (انبیاء/۸).

﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ (بقره/۶۰).

﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾ (مائده/۸۸).

ب) راهبرد دوم: محوریت امور غفلت‌زا به عنوان دنیای نکوهیده؛ زیرا آنچه قرآن کریم نکوهش فرموده است، بهره بردن گناه‌آلود و غافلانه از دنیاست (همان: ۱۳۸/۱ و ۱۴۸):

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ (منافقون/۹).

﴿أَرْضِيئُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ (توبه/۳۸).

ج) راهبرد سوم: محوریت عبودیت عارفانه به عنوان غرض از خلقت انسان؛ زیرا بر اساس آموزه‌های قرآنی، غرض از خلقت، عبودیت عارفانه است (همان: ۶۲/۲؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۹/۱): ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات/۵۶) که عبادت در این آیه به معرفت تفسیر شده است.

د) راهبرد چهارم: توجه به معنای زهد حقیقی؛ زیرا زهد واقعی از منظر قرآن کریم عبارت است از دل‌بسته نبودن به دنیا چه در داشتن و چه در نداشتن. این هدف بر اساس آیه کریمه ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾ (حدید/۲۳) با تفسیر امام سجاد (ع) (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۸/۲) استفاده شده است (سعادت‌پرور، ۱۳۸۵: ۳۷۰/۲).

مؤلف در حل اختلاف روایات مذکور بر اساس ادله متعدد از جمله راهبردهای قرآنی مذکور به این نتیجه رسیده است که دنیا به خودی خود نکوهیده نیست (همان:

۱/۱۷۶)، مگر اینکه به برآوردن غرض از خلقت انسان که بیان شد، آسیب بزند (همان: ۸۴-۸۲/۲) و مقصود از این ریاضت‌ها، دوری از خوراک و همسر و فرزند نیست بلکه غیر از موارد نیازهای غریزی متعارف (همان: ۱۸۲/۲) و دل بسته بودن است (همان: ۳۷۰/۲) و انسان باید در حد اعتدال و شرع از این نیازها بهره برد و ریاضات اخلاقی نیز فقط در این چارچوب مورد قبول هستند (همان: ۲۱۶/۱؛ ۴۲/۲؛ ۱۵۰-۱۵۲؛ ۵۶/۳).

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش در تبیین روش‌های آیت‌الله سعادت‌پرور در کتاب شریف *سّر الاسراء* در استنباط آموزه‌های عرفانی و اخلاقی با محوریت قرآن کریم به این شرح است:

۱. *سّر الاسراء* توانسته است گستره وسیعی از آیات قرآنی را جستجو کند و تقریباً هم‌وزن کتاب *اخلاق در قرآن* از آیات قرآنی بهره ببرد. این کتاب در یک شیب تند صعودی به جایگاه بسیار بالایی در مقایسه با *جامع السعادات* ارتقا یافته است. این ارتقا، حرکتی شتابدار به سوی الگوی مطلوب از جایگاه قرآن کریم در استنباطات اخلاق ماثور است.

۲. در روش *سّر الاسراء*، محور اصلی یا دست‌کم یکی از محورهای اصلی در بررسی سند روایات عرفانی و اخلاقی، قرآن کریم است. این فرایند از طریق سنت «عرضه بر قرآن» انجام می‌گیرد که توصیه پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام و سنت عالمان است.

۳. از منظر *سّر الاسراء*، محور اصلی یا دست‌کم یکی از محورهای اصلی در تفسیر اختلاف روایات، راهبردهای قرآنی است. آیات قرآنی می‌توانند قواعد عامی ارائه دهند که اختلاف روایات عرفانی و اخلاقی را تفسیر و حل کنند.

۴. *سّر الاسراء* تأکید دارد که تفسیر آموزه‌های عرفانی و اخلاقی قرآن کریم باید بر اساس قواعد ادبی عربی و نیز قواعد علم اصول استنباط در حوزه الفاظ انجام شود. این قواعد و اصول، تفسیر آیات قرآنی را از انحراف در معنایابی و آفت موسوم به «تفسیر به رأی» حفظ می‌کنند.

کتاب‌شناسی

۱. نهج البلاغه، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۲. آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایة الاصول، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، المسند، بیروت، دار الفکر، ۱۴۳۰ ق.
۴. ابن طاووس، سید رضی‌الدین علی بن موسی بن جعفر، اقبال الاعمال، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ ق.
۵. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
۶. ابن هشام انصاری، ابو محمد عبدالله بن یوسف، اوضح المسالک الی الفیة ابن مالک، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی‌تا.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۸. ابوحنان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
۹. ازهری، خالد بن عبدالله، شرح التصریح علی التوضیح، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ش.
۱۰. اسعدی، محمد و همکاران، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ش.
۱۱. اعرابی، سیدمحمد، تحقیق تطبیقی، چاپ دوم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین، الاجتهاد و التقليد، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. بابایی، علی‌اکبر و غلامعلی عزیزی کیا و مجتبی روحانی راد، روش‌شناسی تفسیر قرآن، چاپ پنجم، قم، سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ش.
۱۴. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۱۵. بی، ارل، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران، سمت، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، چاپ دوم، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۱۷. بیهقی، احمد بن حسین، کتاب السنن الکبری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۳۲ ق.
۱۸. تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر، المطول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۵ ق.
۱۹. جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد، الفوائد الضیائیة فی حل مشکلات الکافیة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ ق.
۲۰. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، دلائل الاعجاز فی علم المعانی، بیروت، المكتبة العنصریه، ۱۴۲۸ ق.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله، حکمت عبادات، چاپ پانزدهم، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. حافظ‌نیا، محمدرضا، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ سیزدهم، تهران، سمت، ۱۳۸۶ ش.
۲۳. حاکم نیشابوری، حافظ ابو عبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۹ ق.
۲۴. حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین، مهر تابان، چاپ دوم، مشهد مقدس، علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. د. واس، دیوید ای.، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، چاپ دوازدهم، تهران، نی، ۱۳۸۹ ش.
۲۶. دارقطنی، علی بن عمر، سنن الدارقطنی، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۲۴ ق.

۲۷. دلاور، علی، *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، چاپ دوم، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶ ش.
۲۸. دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۲۹. رایف، دانیل و همکاران، *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)*، ترجمه مه‌دخت بروجردی علوی، تهران، سروش، ۱۳۸۱ ش.
۳۰. رجبی، محمود، *روش تفسیر قرآن*، چاپ ششم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ ش.
۳۱. رضی‌الدین استرآبادی، محمد بن حسن، *شرح الرضی علی الکافی*، چاپ دوم، تهران، مؤسسه الصادق علیه السلام، ۱۳۸۴ ش.
۳۲. رفیع‌پور، فرامرز، *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲ ش.
۳۳. زرقانی، محمد عبدالعظیم، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۴. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، *الرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۰ ق.
۳۵. سرخسی، ابوبکر محمد بن احمد بن ابی سهل، *اصول السرخسی*، بیروت، دار المعرفه، بی‌تا.
۳۶. سعادت‌پور (پهلوانی تهرانی)، علی، *سزایسراء*، شرکت احیاء کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۳۷. همو، نورهدایت، تهران، شرکت احیاء کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۳۸. سکاکی، یوسف بن ابی‌بکر، *مفتاح العلوم*، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۹. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *الاتقان فی علوم القرآن*، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ ق.
۴۰. شاشی، احمد بن محمد بن اسحاق، *اصول الشاشی*، بیروت، دار الکتب العربی، بی‌تا.
۴۱. شاطبی، ابواسحاق ابراهیم بن موسی لخمی غرناطی مالکی، *الموافقات*، بی‌جا، دار ابن عفان، ۱۴۱۷ ق.
۴۲. شیخ بهائی، بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی، *مشرق‌الشمسین و اکسیر السعادتین*، مع تعلیقات الخواجه‌جوئی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ ق.
۴۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *علل الشرائع*، قم، کتاب‌فروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.
۴۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۴۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، چاپ دوم، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، بی‌تا.
۴۶. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، چاپ چهارم، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۴۷. طبرسی، فضل بن حسن، *معجم البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۴۸. طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۴۹. همو، *العدة فی اصول الفقه*، قم، چاپخانه ستاره، ۱۴۱۷ ق.
۵۰. همو، *تهذیب الاحکام فی شرح المقننه للشیخ المفید*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۵۱. همو، *مصباح‌المتهجد و سلاح‌المتعبد*، بیروت، مؤسسه فقه‌الشیعه، ۱۴۱۱ ق.
۵۲. عاملی جبعی، زین‌الدین بن علی، *الرعاية فی علم الدرابه*، چاپ دوم، قم، مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ ق.
۵۳. همو، *تمهید القواعد*، قم، بی‌نا، ۱۴۱۶ ق.
۵۴. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، *نهایة الوصول الی علم الاصول*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۵ ق.
۵۵. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر: مفاتیح‌الغیب*، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۵۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، کتاب الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۴۰۶ ق.
۵۷. قمی، میرزا ابوالقاسم بن محمد، قوانین الاصول، چاپ دوم، قم، کتاب فروشی علمیه اسلامی، ۱۳۷۸ ق.
۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران، اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۵۹. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی، تهران، اسلامی، ۱۳۸۲ ق.
۶۰. مالک بن انس، الموطأ بشرح الزرقانی (زرقانی، سیدی محمد)، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۶۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (علیهم السلام)، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۶۲. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، کوشانبور، ۱۴۰۶ ق.
۶۳. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن هذلی، معارج الاصول، قم، بی تا، ۱۴۰۳ ق.
۶۴. میرداماد، سید شمس الدین محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی، الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیه، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۰ ش.
۶۵. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، چاپ پنجم، قم، اسماعیلیان، بی تا.
۶۶. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، اجود التقریرات، تقریر دروس اصول محمدحسین غروی نائینی، قم، مطبعة العرفان، ۱۳۵۲ ش.
۶۷. همو، محاضرات فی الاصول، قم، انصاریان، ۱۴۱۷ ق.
۶۸. نراقی، محمد مهدی بن ابی ذر، انیس المجتهدین فی علم الاصول، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ش.
۶۹. ورام بن ابی فراس حلی، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی